

علم أصول الفقه

٦٠ ٩٣-١٢-٣ ظهور

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا

• يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَ مَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ
لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يُحْذِرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ
(٣٠)

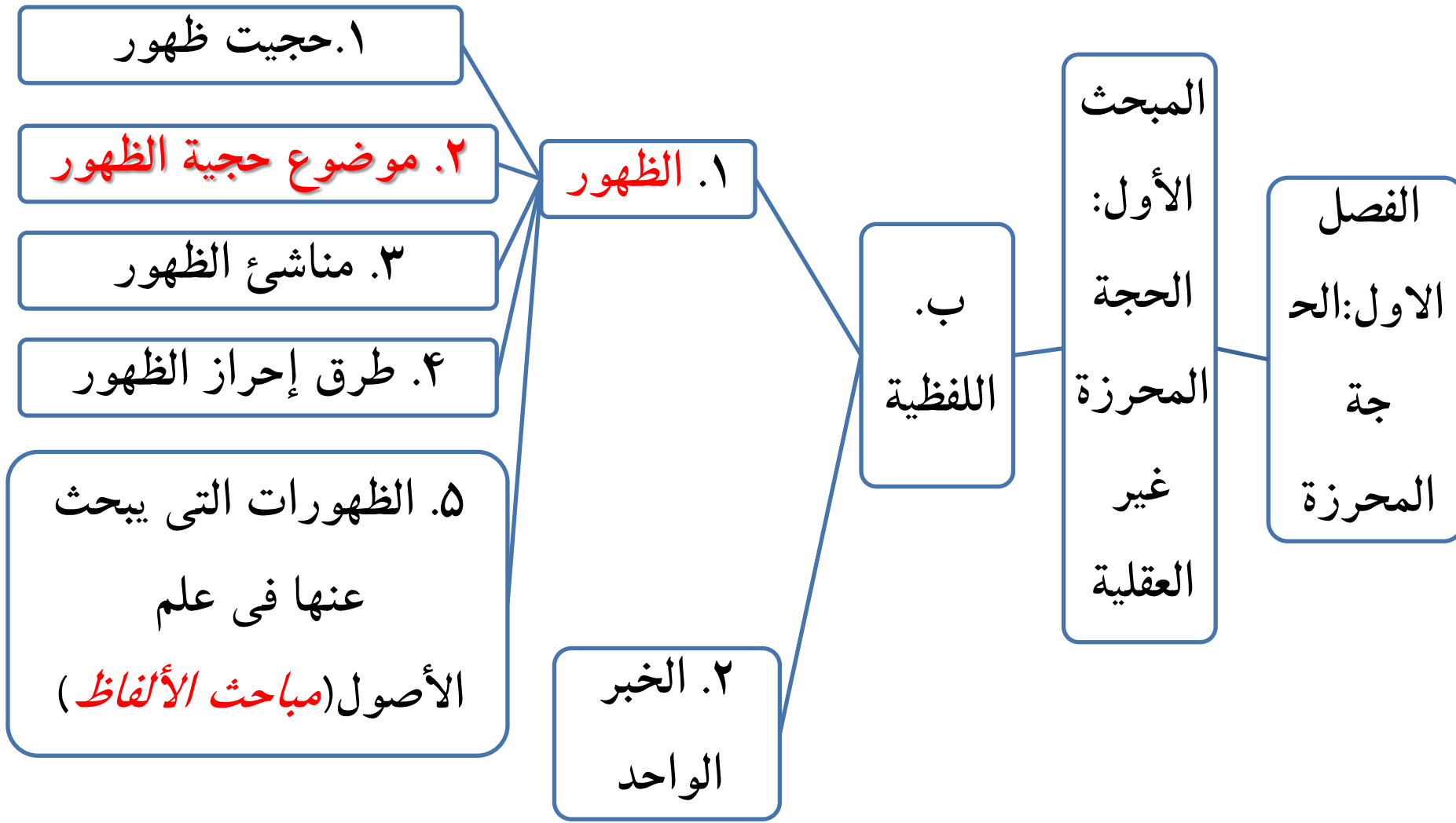
•
•

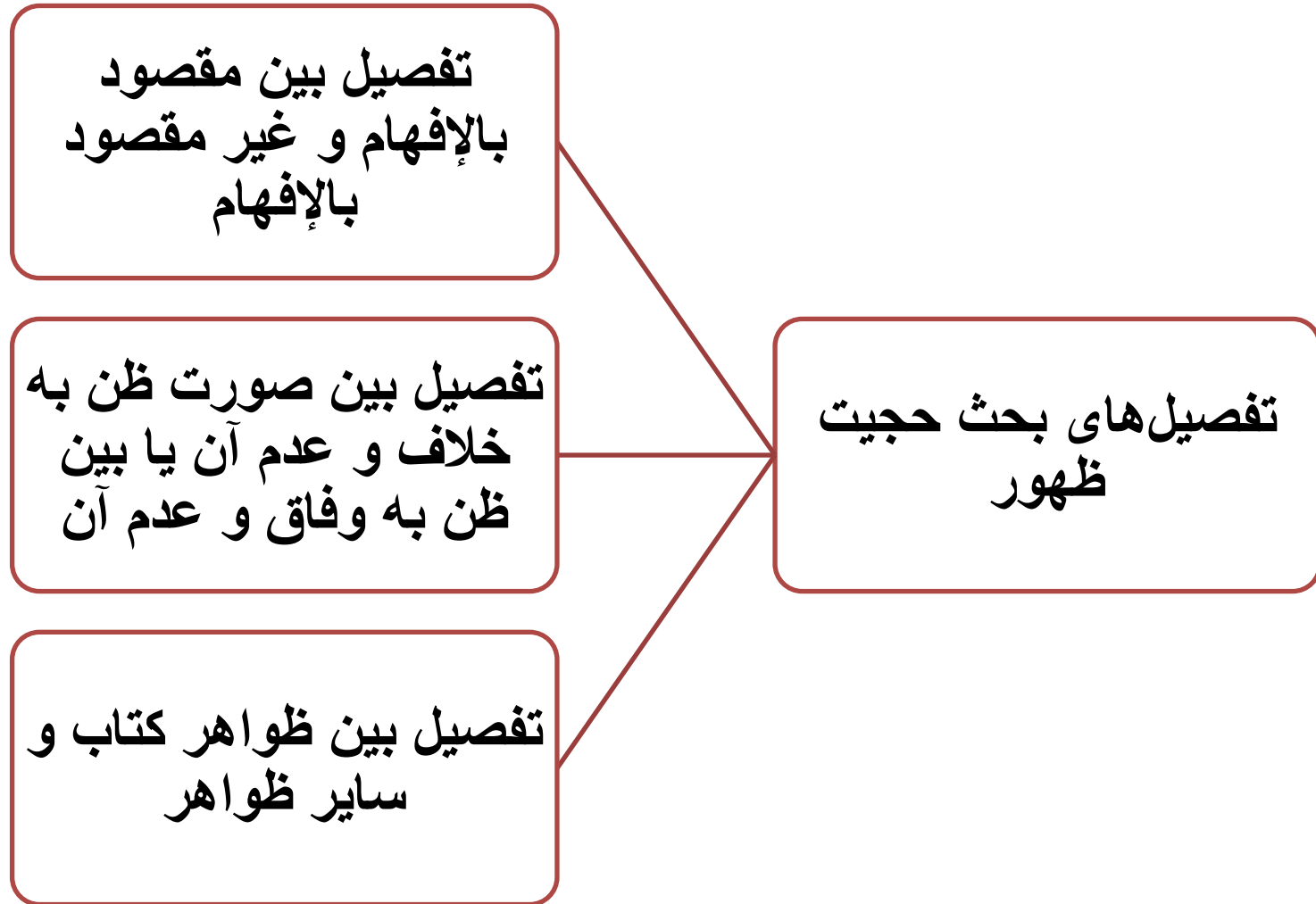
مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
- إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا (١)
- وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (٢)
- وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (٣)

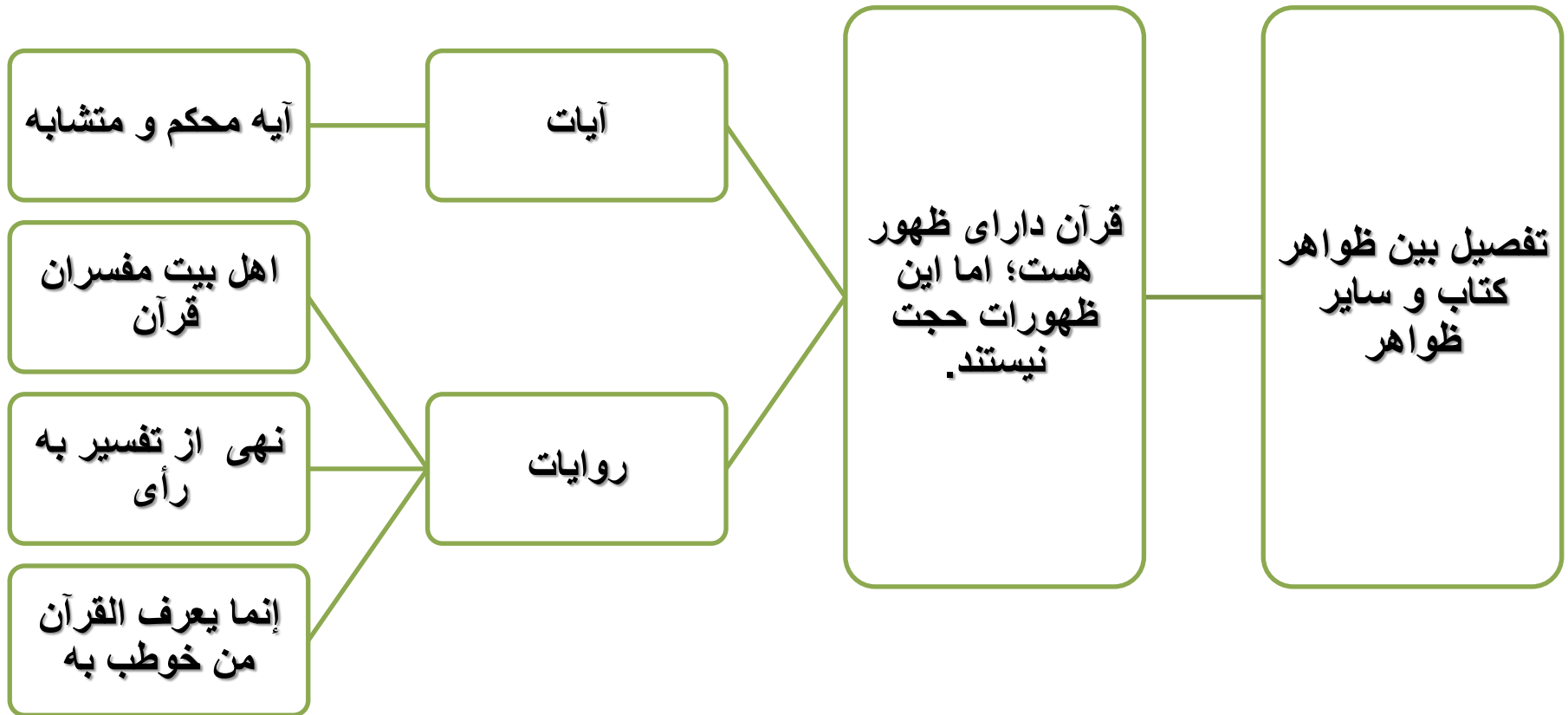
مَنْ يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

- يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (٤)
- بَأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (٥)
- يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (٦)
- فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (٧)
- وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (٨)





۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر



۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- دسته سوم
- مضمون این دسته این است که قرآن فقط برای اهل بیت علیهم السلام حجت است؛ زیرا قرآن را نمی‌شناسد مگر کسی که مخاطب قرآن است و مخاطبین قرآن فقط اهل بیت علیهم السلام هستند.
- پس دیگران نمی‌توانند قرآن را بشناسند.
- این عدم امکان شناخت یعنی ظواهر قرآنی برای غیر اهل بیت علیهم السلام حجت نیست.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- این بحث به یک معنا به مبنای میرزای قمی رضوان الله علیه برمی گردد؛ البته ایشان اخباری نیست و با مبنای اخباری ها هم موافق نیست.
- مبنای ایشان این بود که ظواهر قرآنی فقط برای مقصود بالإنفهام حجت است.
- طبق این روایات مقصود بالإنفهام آیات، فقط اهل بیت علیهم السلام هستند.
- بنابراین ممکن است بین خداوند تبارک و تعالی و اهل بیت علیهم السلام یک رمز و رازی باشد که با آنها این آیات فهمیده شود.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- برای نمونه این روایت وارد شده است:

٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- «عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن محمد بن سنان عن زيد الشحام قال: دخل قتادة بن دعامة على أبي جعفر فقال يا قتادة أنت فقيه أهل البصرة فقال هكذا يزعمون فقال أبو جعفر ع بلغني أنك تفسر القرآن فقال له قتادة نعم فقال له أبو جعفر ع بعلم تفسره أم بجهل قال لا بعلم فقال له أبو جعفر ع فإن كنت تفسره بعلم فأنت أنت و أنا أسألك قال قتادة سل قال أخبرني عن قول الله عز و جل في سبأ "وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لِيَالِيَّ وَ أَيَّامًا آمِنِينَ" فقال قتادة ذلك من خرج من بيته بزاد حلال و راحلة و كراء حلال يريد هذا البيت كان آمنا حتى يرجع إلى أهله

٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- فقال أبو جعفر ع نشدتك الله يا قتادة هل تعلم أنه قد يخرج الرجل من بيته بزاد حلال و راحلة و كراء حلال يريد هذا البيت فيقطع عليه الطريق فتذهب نفقته و يضرب مع ذلك ضربة في هافيهما اجتياحه قال قتادة اللهم نعم

٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- فقال أبو جعفر ع ويحك يا قتادة إن كنت إنما فسرت القرآن من تلقاء نفسك فقد هلكت و أهلكت و إن كنت قد أخذته من الرجال فقد هلكت و أهلكت ويحك يا قتادة ذلك من خرج من بيته بزاد و راحلة و كراء حلال يروم هذا البيت عارفا بحقنا يهوانا قلبه كما قال الله عز و جل " فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ " و لم يعن البيت فيقول إليه فنحن و الله دعوة إبراهيم ع التي من هوانا قلبه قبلت حجته و إلا فلا يا قتادة فإذا كان كذلك كان آمنًا من عذاب جهنم يوم القيامة قال قتادة لا جرم و الله لا فسرتها إلا هكذا فقال أبو جعفر ع ويحك يا قتادة إنما يعرف القرآن من خوطب به»

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- در این روایت زید شحّام داستانی را نقل می‌کند که قتاده به خدمت امام باقر علیه السلام می‌آید و گفتگویی بین امام علیه السلام و قتاده صورت می‌گیرد. ابتدا حضرت می‌فرماید تو فقیه اصل بصره هستی؟ قتاده تواضع می‌کند و می‌گوید مردم این‌طور گمان می‌کنند. حضرت می‌فرماید شنیدم قرآن تفسیر می‌کنی؟ قتاده می‌گوید بله. حضرت می‌فرماید اگر از روی علم این را تفسیر می‌کنی، خودت خودت هستی! و حال من از تو سؤال می‌کنم. بعد از اینکه یک گفتگویی بین حضرت و قتاده صورت گرفت، حضرت می‌فرمایند اگر از پیش خودت قرآن را تفسیر می‌کنی، خودت هلاک شدی و دیگران را هم هلاک کردی و اگر از دیگران این تفسیر را می‌گیری، باز هم خودت هلاک شدی و دیگران را هم هلاک کردی و در ادامه حضرت می‌فرمایند قرآن را کسی می‌شناسد که مخاطب قرآن است که مقصود امام باقر علیه السلام خودشان بوده است که البته خود حضرت خصوصیت ندارد و سایر اهل بیت علیهم السلام را هم شامل.

٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- . إنما يعرف القرآن من خوطب به. (الكافي، ج ١٥، ص ٦٩٩)

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- شهید صدر رضوان الله علیه می گوید ذیل این دسته اول چهار روایت داریم و نمی گوید کجا هستند. من در طول سالها بارها به این بحث رسیدم و هر بار دوباره جستجو کردم و از انواع نرم افزارها را استفاده کردم؛ اما جزء همین یک روایت پیدا نکردم.
- ایشان نام سه راوی را برده و گفته است این افراد این روایات را نقل کرده اند. من تمام روایاتی را که این روات نقل کرده اند، نگاه کردم و اصلاً روایتی در این زمینه و به این مضمون ندارند. شاید یک مدرک روایی دیگر غیر از کتب اربعه و کتاب‌هایی که ما داریم در دست شهید صدر رضوان الله علیه بوده است. به هر حال ایشان از سعد بن طریف نام می برد. من تمام روایات سعد بن طریف را نگاه کردم؛ ولی وی روایتی نقل نکرده است که به این مضمون باشد. البته از وی روایتی نقل کرده است که ائمه علیهم السلام مفسر قرآن هستند و ما باید به ایشان مراجعه کنیم؛ اما این روایت در گروه دوم قرار می گیرد نه در گروه اول.

٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و سائر ظواهر

- . سبأ، ١٨.

٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و سائر ظواهر

- . ابراهيم، ٣٧.
- . الكافي، ج ١٥، ص ٦٩٨ - ٦٩٩.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- مقصود از «خو طب به»
- مقصود این نیست که در قرآن هیچ خطابی به غیر اهل بیت علیه السلام نشده است؛ چون در آیات فراوانی، به مردم، مؤمنین و حتی کفار خطاب شده است. مقصود این است که قرآن ابتدا در اختیار رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار می‌گرفت و بعد حضرت آن را برای مردم بیان می‌کرد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- بنابراین حتی آنجا که خطاب به مؤمنین یا به مسلمانان یا به همه مردم یا به کفار است، کسانی می‌دانند که مقصود از این خطاب‌ها چیست که رمز این قرآن را می‌دانند آن کسان پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هستند.
- در مقام جواب به این دسته از روایات چند جواب مطرح شده است:

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- جواب اول
- شهید صدر می فرمایند این روایت به لحاظ سندی ضعیف است.
- این جواب ایشان هم اشکال بنائی دارد و هم اشکال مبنایی.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اشکال مبنایی بر جواب
- این روایتی که ما در این بحث مطرح کردیم، مشکل سندی ندارد. در محمد بن سنان اشکال کرده‌اند؛ ولی به نظر ما وی ثقه است و می‌توان به روایتش اخذ کرد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اشکال بنایی بر جواب
- خودشان فرموده‌اند بحث اعتبار سند در بحث رادعیت سیره و ارتکاز چندان اهمیتی ندارد. اگر یک سیره یا ارتکازی خیلی مستحکم نباشد، یک روایت ضعیف هم می‌تواند مانع از تمسک به آن شود؛ چون لازم نیست احراز کنیم که شارع یک سیره یا ارتکاز را ردع کرده است تا بگوییم این سیره و ارتکاز حجت نیست، بلکه احتمال ردع کافی است.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- پس برای اثبات حجیت سیره و ارتکاز باید احراز کنیم که شارع آن را ردع نکرده است. یکی از عواملی که می‌تواند احراز ما را مخدوش کند، روایت ضعیف است؛ یعنی اگر سیره یا ارتکاز به لحاظ کیفیت راسخ و به لحاظ کمیت گسترده نباشد، ممکن است شارع با یک روایت آن را نفی کرده باشد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- فرض کنید در محل بحث اتفاقاً این روایت به سند ضعیف به ما رسیده است و معنای سند ضعیف این نیست که روایت لزوماً کذب است، بلکه معنایش این است که برای ما حجت نیست و ما نمی‌توانیم به آن استناد کنیم. همین مقدار برای ایجاد احتمال ردع کافی است.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اشکال بر بیان شهید صدر
- عجیب است که ایشان در اینجا چنین اشکالی را مطرح می‌کنند و بعد هم برای رفع آن، استصحاب حجیت ظواهر را مطرح می‌کنند که این از غرایب مطالب ایشان است!

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اشکال بر استدلال به استصحاب حجیت
- ادعای اخباری‌ها این نیست که ظواهر قرآن در یک دوره‌ای حجت بوده‌اند و از یک زمانی به بعد دیگر معلوم نیست که حجت هستند یا نه تا ما بگوییم استصحاب می‌کنیم، بلکه آن‌ها می‌گویند قرآن از اول ظواهرش حجت نبوده‌است و اصلاً حالت سابقه ندارد تا استصحاب کنیم.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- جواب دوم
- در بحث ردع سیره و ارتکاز گفتیم باید قدرت رادع متناسب با کمیت و کیفیت سیره و ارتکاز باشد. بنابراین چون حجیت ظواهر یک امر بسیار راسخ در بین عقلا است، باید رادع آن به لحاظ کیفیت قوی و به لحاظ کمیت مکرر باشد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- عقلا با هر کلامی به همان روش عقلائی برخورد می‌کنند و چون در روش عقلا ظواهر حجت است، قهراً عقلا به ظواهر قرآن عمل می‌کنند و اگر قرار است که ظواهر قرآن حجت نباشد، باید رادعی قوی بیاید که عقلا را از این منش و ارتکازی که دارند و بسیار هم راسخ است، دور کند.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اگر چنین رادعی وجود داشت، در بین مسلمانانها شهرت پیدا می کرد. همه می فهمیدند که در اسلام نمی توانیم به ظواهر قرآن عمل کنیم. بنابراین این یک روایت یا چهار روایت بر اساس ادعای شهید صدر رضوان الله علیه ف نمی تواند رادع باشد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- جواب سوم
- در مقابل این روایات با انبوهی از روایات مواجه هستیم که ما را به ظواهر قرآن ارجاع می‌دهند و تأکید می‌کنند که به قرآن مراجعه و از آن استفاده کنیم.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- از جمله حدیث ثقلین است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «قال إني تارك فيكم أمرين إن أخذتم بهما لن تضلوا: كتاب الله عز و جل و أهل بيتي عترتي» این نشان می دهد که می توانیم به خود قرآن تمسک کنیم.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- همچنین روایاتی فراوانی داریم که تأکید می‌کند اگر روایتی از ما وارد شد، آن را به قرآن عرضه کنید و روایاتی را که موافق با قرآن است، اخذ کنید و آنچه را که مخالف قرآن است، کنار بگذارید. این روایات نه تنها فهم قرآنی را ممکن می‌شمرد، بلکه حتی معیار فهم روایات را قرآن معرفی می‌کنند. این روایات دو دسته هستند: یک دسته عرضه را در فرض تعارض مطرح می‌کند و دسته دیگر به نحو مطلق می‌گوید. با بررسی این روایات، می‌بینیم یک فهم عمومی در بین مسلمانان وجود داشته است که قرآن یکی از منابع فهم دین، بلکه اصلی‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود و قابل مراجعه است. پس اگر به فرض روایاتی داریم که بر عدم حجیت ظواهر قرآن دلالت می‌کنند، در مقابل روایات فراوانی داریم که بر حجیت ظواهر قرآن دلالت دارند که هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ مدلول، بر روایات نفی حجیت تقدم دارند.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- من بعد از خود دو چیز را در بین شما باقی گذاشتم: کتاب خدا و اهل بیت (عترتم) مادامی که به این دو تمسک کنید، گمراه نخواهید شد. (الکافی، ج ۲، ص ۲۵)
- وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۰۶ - ۱۲۴: ابواب صفات القاضی، باب ۸.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- جمع بندی دلیل دوم اخباری‌ها
- از بین این سه دسته تنها دسته **سوم** بر نفی حجیت ظواہر قرآن دلالت دارد. دسته **اول** که مفسریت اهل بیت علیہم السلام را بیان می‌کند و دسته **دوم** از تفسیر قرآن به رأی نهی می‌کند. این دو دسته **اخیر** مانع از حجیت ظواہر قرآن نیست و دسته **سوم** هم که مانعیتی دارد، با توجه به اندک بودن تعداد روایاتش و مخدوش بودن سند آنها و نیز معارض بودن با انبوهی از روایات دال بر حجیت ظواہر قرآن، نمی‌تواند رادع سیرة قائم بر حجیت ظواہر در حوزه قرآن باشد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- روایات دال بر حجیت ظواهر قرآن
- در قبال این سه دسته روایات، روایات فراوانی داریم که بر حجیت ظواهر قرآن دلالت می‌کنند و تواتر اجمالی دارند. این روایات خود به چند گروه تقسیم می‌شوند:

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- گروه اول
- روایاتی است که ما را به قرآن ارجاع می دهد مثل حدیث ثقلین که در ذیل حدیث می فرماید: مادامی که شما به قرآن و سنت تمسک کنید، گمراه نخواهید شد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- در تمسک به قرآن در دو احتمال هست: اینکه به الفاظ قرآن همین کتابی که در اختیار شما است، مراجعه کنید و معنایش این است که الفاظ قرآن برای ما قابل مراجعه و استفاده است و اطلاق ارجاع، اقتضا می‌کند که ظواهر قرآنی حجت باشد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- احتمال دیگر این است که مقصود از قرآن معانی و محتوا باشد؛ البته نمی‌گویند که ظواهر قرآن حجت نیستند و چون طبق این فرض، حضرت شیوة دستیابی به محتوای قرآن را بیان نکرده است در حالی که ما نیاز به راهی برای کشف محتوا داریم، اطلاق مقامی اقتضا می‌کند که شارع همان شیوه‌های متعارف عقلایی را پذیرفته است. یکی از آن شیوه‌ها مراجعه به ظواهر است.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- گروه دوم
- روایاتی هستند که در آن بیان شده است که اگر کسی شرط کند که آن شرط با قرآن مخالفت دارد، الزام آور نخواهد بود.
- مقصود از شرط مخالف کتاب چیست؟

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اگر مقصود شرطی است که مخالف ظاهر الفاظ کتاب باشد، به مقتضای اطلاق لفظی این روایات معنایش حجیت ظواهر قرآن است؛ مثلاً خداوند تبارک و تعالی در کتاب بیان کرده است که بیع حلال است و ربا حرام و ما بخواهیم شرطی کنیم که ربا را حلال یا بیع را حرام کند. این شرط الزام آور نیست.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- اگر مقصود شرطی است کہ با محتوا و مفاد قرآن ناسازگار باشد، در این صورت به مقتضای اطلاق مقامی معنایش حجیت ظهور خواهد بود.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- وقتی ائمه علیہم السلام فرموده‌اند هر شرطی را که می‌گذارید، الزام آور است مگر شرطی که با قرآن منافات دارد، معنایش این است که مردم می‌توانند بلکه باید به قرآن مراجعه کنند تا بفهمند این شرط با قرآن منافات دارد یا نه. اگر ظواہر قرآن برای غیر از اهل بیت علیہم السلام حجت نباشد، معنا ندارد که مردم به قرآن مراجعه کنند و بفهمند این شرط خلاف قرآن است یا نیست و هر چه می‌خواهند بفهمند را باید از اهل بیت علیہم السلام سؤال کنند.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- گروه سوم
- روایاتی هستند که می‌گویند وقتی از ما اهل بیت علیهم السلام روایتی به دستتان رسید، آن را با قرآن بسنجید. اگر با قرآن ناسازگار بود باید آن را کنار بگذارید.
- قرآنی که ائمه علیهم السلام فرموده‌اند، همان ظواهر و نصوص قرآن است. معنایش این است که ما می‌توانیم به ظواهر قرآنی مراجعه کنیم.